

نگاهی به ترجمه کتاب بررسی نشانه‌شناختی و مردم‌شناختی معلقات سبع

مقدمه

معلقات سبع مجموعه ۷ قصیده از شعرای جاهلی است که از قدیم‌الایام، علاوه بر ادبیات عرب، تأثیر بسیاری در ادبیات فارسی گذاشته است. اما آنچه تا کنون به زبان فارسی درباره این قصاید مطرح بود، تنها شامل شروخی می‌شد که به توضیح معنی ابیات این اشعار می‌پرداختند و کار چندانی درباره تحلیل این اشعار به زبان فارسی منتشر نشده بود. کتاب بررسی نشانه‌شناختی و مردم‌شناختی معلقات سبع، اثر دکتر عبدالملک مرتاض، که توسط دکتر سیدحسین سیدی به فارسی ترجمه شده، کتابی است که می‌تواند دیدی تازه نسبت به اشعار معلقات به خواننده فارسی زبان بدهد و گامی جدید در شناخت بهتر معلقات سبع در میان فارسی‌زبانان بردارد. اما گذشته از ضرورت ترجمه و انتشار این کتاب به زبان فارسی، باید نکاتی درباره ترجمه چاپ‌شده از این کتاب بیان کرد و کاستی‌هایی را در جهت بهتر شدن اثر گوشزد نمود. ما در این مقاله برآنیم که گوشه‌هایی از این کاستی‌ها را نشان دهیم تا شاید با اصلاح آنها در چاپ‌های بعدی، متنی روان‌تر و ترجمه‌ای صحیح‌تر از این کتاب به دست خوانندگان و علاقه‌مندان برسد.

الف. جملات بدون معنی و جمالاتی که در ساختمانشان اشتباه و ضعف وجود دارد

ما در این بخش به تعدادی از جمالاتی اشاره می‌کنیم که یا معنی درستی ندارند و یا در ساختمانشان ایرادی وجود دارد. تعداد این گونه جملات در متن زیاد بود؛ ولی ما فقط بخشی از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. به پندار برخی از روایان که برای ابن‌هشام نامی از روایانی که از آنان روایت کرده‌اند، نبرده‌اند که نامشان بر سنگی در یمن باشد (ص ۵۳)

سیدعلی هاشمی عرقطو*



- * بررسی نشانه‌شناختی و مردم‌شناختی معلقات سبع.
- * عبدالملک مرتاض.
- * ترجمه دکتر سید حسین سیدی.
- * چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶.

۲. تمام سیره‌نویسان و مورخان گذشته زندگی عرب قبل از اسلام، در اعتمادی شبه‌یقینی به دوره‌ای که آن را حکومت جرهمی می‌نامیم و بر مکه و اطراف آن پس از فرزند اسماعیل (ع) حدود پنج قرن و نیم حکومت می‌کرده‌اند، سخن می‌گویند (همان).

۳. استا طلال حرب در ردّ اندیشهٔ معلقات و اصل و اساس آن خود را سخت به زحمت افکند و تحت تأثیر مصطفی صادق رافعی است (همان) (زمان فعل‌ها متفاوت است).

۴. این اخبار بزرگ - یا ما دوست داریم آنها را چنین بنامیم - ممکن است نکات اضافی داشته باشد (ص ۵۸) (به جای «یا ما دوست داریم» باید نوشته می‌شد: «یا اخباری که ما دوست داریم»).

۵. مگر اینکه چاپ قابل استفادهٔ وی غیر از چاپ ما می‌باشد (ص ۶۱) (چاپ قابل استفاده؟).

۶. ما، علی‌رغم اینکه احتمال افزایش در متن معلقات توسط حماد وجود دارد، در حفظ معلقات و عنایت ویژهٔ ما به آن تا به امروز به عنوان بهترین شعر عربی به طور مطلق، مرهون فرهیختگی مان هستیم (ص ۶۵).

۷. با توجه به مدت زمان کوتاهی که در آن آنگیرها و چراگاه‌های سرسبز به سر می‌بردند اما برای برافروختن آتش روابط عاشقانه بین جوانان کافی بود (ص ۶۸).

۸. اثبات یا نفی آن جز به پژوهشی گسترده [...] دشوار می‌نماید (ص ۷۲).

۹. قصد ما آن است که یادآوری نموده اثبات شش بیت امرؤالقیس در چنین مسائلی که متن موجود نیست و اعتماد به آن اندک است، دشوار می‌باشد (ص ۷۳).

۱۰. آیا این پنج بیت نخست در معلقهٔ زوزنی؟ یا آن‌هایی که در جمهره قرشی آمده است؟ (ص ۷۳)

۱۱. بر چنین محیط‌هایی نظام مهندسی وجود ندارد که ویژهٔ شهرهای شلوغ است (ص ۷۵)

۱۲. غذا از گوشت حیوانات و یا حشرات، مثل ملخ و یا حیوانات پلید، مثل مار و سوسمار، نوشیدنی هم از آب داغ آنگیرها و یا از غذاهای چندش‌آور مثل گوشت گراز (ص ۷۶). (حذف فعل در پایان جملات)

۱۳. با پژوهش در اشعار کلاسیک عرب که فرهنگ‌نویسان به جایگاه زن در جامعه قبل از هر چیز به عنوان امر لذت‌گرایانه، جنسیتی و زیباشناختی می‌نگرند (ص ۷۷).

۱۴. کجاوه‌هایی که بر آن می‌نهادند و سپس عزت و احترام همسرانشان را بر آن سوار می‌کردند (ص ۸۰).

۱۵. تمام تصاویر آبی و زیبا در شعر لبید هم را مورد مطالعه قرار می‌دادیم (ص ۱۱۱).

۱۶. محیط‌های آبی نزد دیگر چکامه‌سرایان بسیار اندک است؛ شاید بیشتر از دیگران از چنین محیطی یاد کرده [...] (ص ۱۱۷) (چه کسی بیشتر از دیگران از این محیط یاد کرده است؟ جواب طرفهٔ بن العبد است که در متن نیامده است).

۱۷. گاو وحشی درشت‌چشم بچه‌های تازه‌زاییده را در بر می‌گیرد (ص ۱۱۸).

۱۸. شاید این همسانی - چنان که به برخی از آن اشاره کرده‌ایم - برای این نکته دلالت می‌کند [...] (ص ۱۱۹).

۱۹. خوب است بار دیگر کنار آنگیر داره جلجل درنگی نماییم. تا آنجا که می‌دانیم، تنها به روایت اسطوره‌ای زیبای جدّ فرزدق مطرح شده است (ص ۱۳۰)

۲۰. لذا به همین خاطر توانست خبر زنان و زنان قبیله اینجا و آنجا نقل شود [...] (ص ۱۳۱).

۲۱. آیا بهتر نبوده است که سوار بر اسب شود و برخی از چیزها را به بردگان می‌سپرد (ص ۱۳۳) (زمان فعل‌ها).

۲۲. گاو وحشی سرگشته و حیران است و شیر در پستانش خشکیده؛ چون عادت داشت که بچه‌اش را بیابد و از پستانش بنوشد (ص ۱۳۷).

۲۳. به بررسی نظریات بسیاری از کسانی که به مفهوم نشانه‌شناختی چه از غربیان و چه عرب‌ها نیز پرداخته‌ام (ص ۱۸۱).

۲۴. ملاحظه می‌کنیم که جاحظ، آنچه را که ناقدان کلاسیک و بویژه جرجانی آن را «سرقات» می‌نامند، درنقلیده است (ص ۱۸۲).

۲۵. چرا امرؤالقیس به تنهایی می‌گرید و دیگر چکامه‌سرایان و تنها یک نفر آن هم دو بار از او پیروی کرده است؟ (ص ۱۹۹) (دیگر چکامه‌سرایان چه کار می‌کنند و یا نمی‌کنند؟)

۲۶. نوگرایان اصطلاح سرقت را به خاطر محکومیت اخلاقی ادیب و هم یقین بر آگاهی فرد دوم از اول را نمی‌پسندند (ص ۲۰۸).

۲۷. به نظر می‌آید طواف دور بت «دوار» هم برای زنان بوده است و هم مردان و هم برای دختران و هم زنان (ص ۲۴۸).

۲۸. چه کسی می‌تواند دربارهٔ شعر جاهلی [و بررسی زن از خلال آن] پس از گذشت شانزدهم قرن با اطمینان شگفت حقیقت آن سخن بگوید؟ (ص ۲۴۹)

۲۹. چرا همهٔ این زنان که در تاریخ پریشان شعر جاهلی آمده‌اند، نامشان را انکار نمی‌کنیم و در فکر ردّ تاریخی بودنشان نیستیم و در وجودشان تردید نمی‌نماییم؟ حتی اگر به شاعری از شاعران چکامه‌سرا یا به طور کلی شاعران جاهلی برمی‌خوریم که برای زنی به نام هند، اسماء و فاطمه غزل می‌سراید، قیامت بیا کرده و آشوب برپا می‌کنیم؟ (ص ۲۵۱)

۳۰. ناقدان معاصر و مدرن همچنان به تأویل آن مشغول و پیوسته در آن وادی حرکت می‌کنند (ص ۲۸۰).

۳۱. مثلاً بناها علی‌رغم اینکه پول فراوانی در برابر زحماتشان به دست می‌آوردند، هیچ‌یک خوش لباس و وضع خوب و چهرهٔ شاداب ندارند (ص ۲۹۵).

۳۲. به ناتوانی‌شان در برابر قدرت تاخت و تاز و کندی آنها و ابتدایی اسلحهٔ شکاری برمی‌گردد (ص ۲۹۶).

۳۳. بسیار اتفاق می‌افتد که انتقام‌جویان آن پناه‌جو را تعقیب و به

گرفتاری بزرگ دچار می‌شد (ص ۳۱۵).

ب. برخی ایرادات سجاوندی

۱. به کار بردن علامت نقطه [.] در جای اشتباه: «برخی از معلقه‌سرایان، مثل عمرو بن کلثوم، حارث بن جِلْزه و عنتره، تنها به این نام‌ها مشهور بوده‌اند. یا بگوییم تمام معلقه‌سرایان جز امرؤالقیس، که به مطلقه شگفت‌انگیزش مشهور بوده است» (ص ۵۹)؛ که در اینجا علامت نقطه [.] مابین «بوده‌اند» و «یا» اضافه است.

۲. قرار ندادن نقل‌قول‌ها در میان علامت گیومه و یا نبستن گیومه، که باعث اشتباه در هنگام خواندن می‌شود. نمونه‌هایی از این اشتباه در صفحه ۶۱ از بند سوم به بعد و صفحه ۶۷، بند ۱ و صفحه ۱۰۶، خط ۱۰ دیده می‌شود.

۳. عدم دقت در استفاده از علامت خط فاصله [-]: در کتاب زبان و نگارش فارسی، یکی از کاربردهای خط فاصله [-] چنین بیان شده است: «در آخر سطر، وقتی که بخشی از کلمه به سطر بعد برده شود» (احمدی گیوی، ۱۳۷۴: ۴۵)؛ اما در کتاب مورد بحث ما، در چنین موارد، خط فاصله در انتهای سطر نیامده است. به عنوان مثال، بنگرید به واژه‌های «علی‌رغم» (ص ۲۰۶، سطرهای ۵ و ۶)، «درافکنده‌ایم» (ص ۲۵۲، سطرهای ۱۱ و ۱۲)، «می‌پرستیدند» (ص ۲۷۷، سطرهای ۱۷ و ۱۸)، «یده‌آل» (ص ۲۹۳، سطرهای ۱۷ و ۱۸).

همچنین یکی دیگر از موارد کاربرد علامت خط فاصله، استفاده از آن برای جدا کردن جمله معترضه از جمله اصلی است (احمدی گیوی، ۱۳۷۴: ۴۴). در این کاربرد هم، گاهی بی‌دقتی‌هایی در کتاب دیده می‌شود؛ به عنوان مثال، در مواردی پایان جمله معترضه مشخص نشده است:

«تا جایی که امکان ساختن داستان به خدمت گرفتن لیلی - مادر عمرو بن کلثوم و خواهر مهلهل را پیرامون او بسازند» (ص ۲۵۰).

«این چهار ویژگی - در تمام تاریخ و در تمام فرهنگ‌ها و در تمام ذوق‌ها - درباره زبیا و دختر جوان زیبا - مطلوب و دوست داشتنی است» (ص ۲۹۴).

۴. برخی استعمالات علامت سؤال [؟] نیز در این کتاب درست نیست: «اگر به شاعری از شاعران چکامه‌سرا یا به طور کلی شاعران جاهلی برمی‌خوریم که برای زنی به نام هند، اسماء و فاطمه غزل می‌سراید، قیامت بیا کرده و آشوب برپا می‌کنیم؟ به این خاطر که می‌پنداریم هند، اسطوره‌ای بیش در اساطیر پیشینیان نیست؟» (ص ۲۵۱)

ج. پاره‌ای نکات دیگر

در هنگام بررسی ترجمه کتاب بررسی نشانه‌شناختی و مردم‌شناختی مغلقات سبج به مسائل و مشکلات دیگری نیز برخوردیم که در این قسمت آنها را بیان می‌کنیم:

۱. در صفحه ۵۳، سطر ۵ آمده است: «اگر ابراهیم (ع) در قرن نوزدهم یا هیجدهم میلادی می‌زیسته است»، که این تاریخ باید پیش از میلاد باشد و نه میلادی.

۲. در صفحه ۷۱، سطرهای ۳-۷، به جای «أ» عدد «۱» نوشته شده

است.

۳. در موارد مختلفی، پاراگراف‌بندی‌ها دقت لازم را ندارند و گاهی معنا را تحت تأثیر قرار داده‌اند؛ مانند: ص ۸۱، بندهای ۴ و ۵ / ص ۸۳، بندهای ۲ و ۳ / ص ۱۲۸، دو بند آخر.

۴. مترجم هیچ توضیحی درباره برخی نکات و پیشینه بعضی مباحث که در کتاب مطرح شده، نیاورده است و همچنین ترجمه هیچ کدام از ابیات عربی را ذکر نکرده، مگر آنهایی که مؤلف برایشان یادداشتی نوشته است.

۵. مترجم کلمه «آرایه» را درباره اصطلاحات علم معانی به کار برده است (ص ۱۷۸). همچنین واژه «عروض» را به معنی «حرف روی و قافیه» آورده است: «مردم به عروض، یعنی حرف روی و قافیه گرایش دارد» (ص ۲۱۳).

۶. ابیات در موارد بسیاری به صورت اشتباه ضبط شده‌اند؛ هرچند بیشتر این اشتباهات از نوع غلط‌های تایپی هستند؛ ولی تکرار بعضی ضبط‌های غلط، نظیر ضبط این بیت از مغلقات:

بها العین و الآرام یمشین خلفه
و اطلاؤها ینهضن من کل مجثم

که دو بار مصراع دوم آن در صفحات ۱۱۷ و ۱۱۹ به صورت «و اطلاوهن ینهضن من کل مجثم» آمده، نشان‌دهنده اوج بی‌دقتی در روند آماده‌سازی این کتاب است.

یکی دیگر از نکات مشکل‌آفرین این کتاب، اغلاط تایپی فراوان آن است، که نمونه‌هایی از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم:

صحيح	غلط
کبر	بکر
اظهار می‌دارند	اظهار می‌دانند
انابیش	انبیش
شستن	شش
الایهقان	الیهقان
اریک	اریک
ظاهراً	ظاهر
بسوس	سبوس

البته اینها نمونه‌هایی از این اغلاطی بودند که خواننده را در صفحات مختلف کتاب دچار مشکل می‌کنند.

پی‌نوشت

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

کتابنامه

- احمدی گیوی، حسن [و دیگران]، ۱۳۷۴، زبان و نگارش فارسی. چاپ نهم، تهران: سمت.

- مراض، عبدالملک، ۱۳۸۶، بررسی نشانه‌شناختی و مردم‌شناختی مغلقات سبج. ترجمه دکتر سیدحسین سیدی. چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.